

[Afghanistan Digital Library](http://afghanistandl.nyu.edu/)

adl0323

<http://hdl.handle.net/2333.1/3tx95zbv>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

عبدالودود

عبدالودود

۱۳۰۰
طبع اول



۶

مسائل ؛ درباب

تعلیم و تربیهٔ اخیوریهٔ منفرد
برای احضار نمودنش به محاربه

جمال صاحب

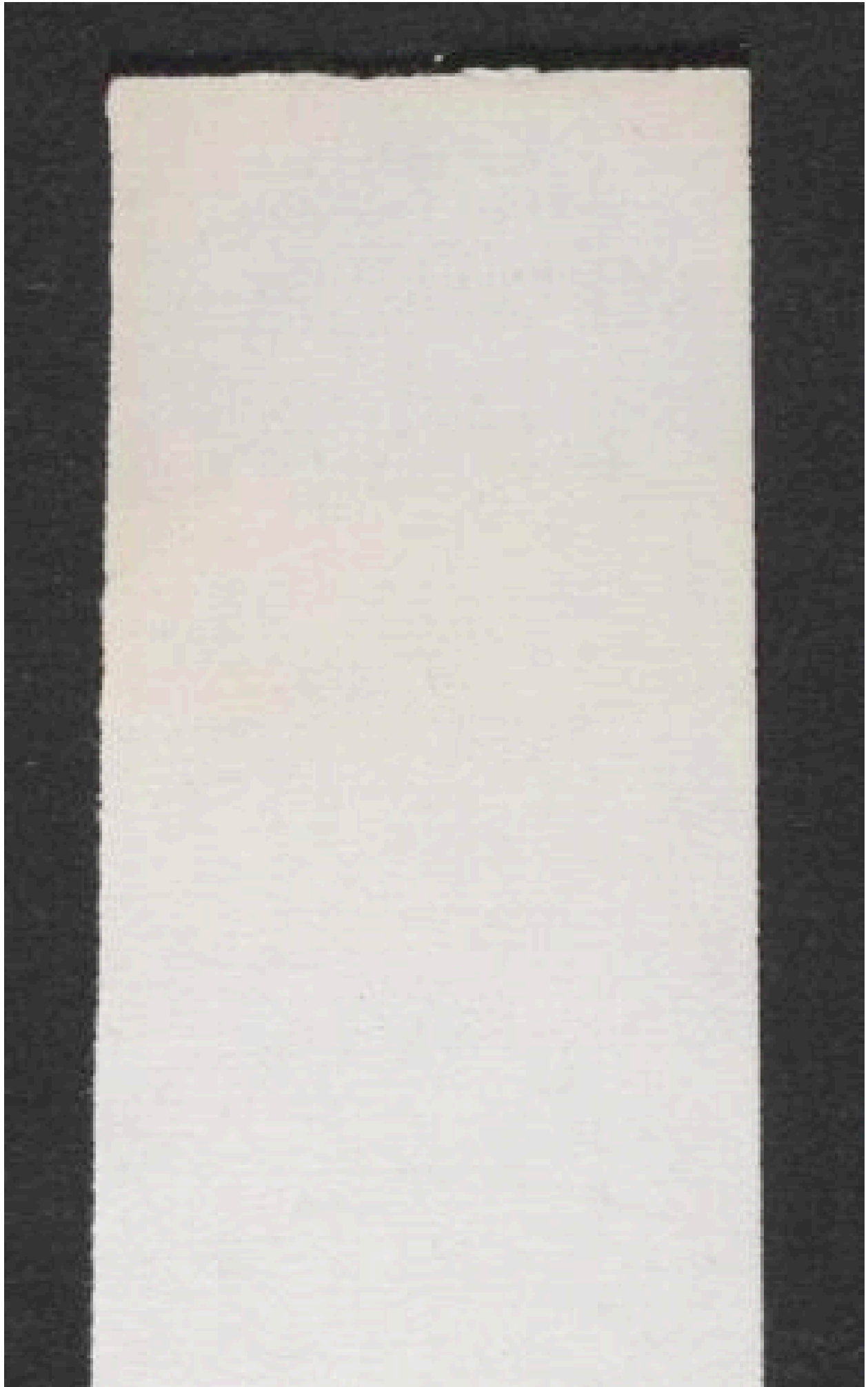
• در مطبعهٔ مکتب فنون حریبهٔ طبع گردید .

الذمیر محمودی
طبع اول

کابل - سرطان - ۱۳۰۰

Masâ'el dar
bâb-e ta'lim
wa tarbiya

...



مسئله - ۱

مقصد : شروع آتش ، شدت آتش را تزئید
و یا تنقیص نمودن ، آتش را قطع کردن ، نقطه
نشان را انتخاب کردن .

هدف : يك نفر مسلح به فشنگ مانوره
مجهز بوده به مسافت ۱۵۰ متره دور و مستور
میباشد .

اشارات آتیه به نفر مرقوم داده میشود :

اشارات : لوحه سرخ رنگ هرگاه به وضعیت

عمود گرفته شود بمعنای : دقت !

مذکور لوحه هرگاه از وضعیت شاقولی ؛ به طرف

چپ و راست ؛ شور داده شود بمعنای : هدف سره

و اگر شاقولاً ته و بالا حرکت داده شود بمعنای :

هدف زنگون کیژد ،

در انشای ارائه هدف زنگون کبزد هرگاه
کور لوحه به وضعیت افقی ؛ بالای سر گرفته
بمعنای : تکرار هدف سر را ارائه کنید .
مذکور لوحه هرگاه به زمین ؛ طرح شود
: غائب شدن یعنی هیچ هدف ؛ ارائه نشود .
در ابتدا هدف ؛ هر وقتیکه هدف سر ؛ نشان
یک دفعه ؛ آتش میکند . و بعد از یک دقیقه
آتش دیگر میکند . بعد از زمانی که اشارت
شدن داده شود دیگر آتش نمیکند (برای
صرف بی لزوم جیغخانه نشود) . بعد از
شدن هرگاه هدف ؛ تکرار نشان داده شود
سابق ؛ دو دفعه آتش کرده میشود .
فرضیات : - تو در اینجا نوبتچی یعنی پره دار
. همین منطقه را که از فلابه محل تافلابه محل
رسد میکنی . (منطقه که داده میشود
بباید کلان نباشد) به داخل این منطقه

هر هدفی که می بینی بر آن آتش خواهد کردی
 تیبیه - معلم اولاً به واسطه افراد تعلیم میابد
 طرز حرکت ؛ نشان بدهد . و درین اثنا شرف
 آتش ، تزئید و یا تقیص شدت آتش ، ق
 نمودن آتش و انتخاب قطعه نشان را برای عجمی
 میفهماند .

ویا

نش

صورت اجرا :- نفر ۱ بمجردیکه امر
 شنید امر را تکرار میکند . و روی خود را سخ
 به طرف دشمن میگرداند . (سلاح باید که پیش
 از دادن مسئله ؛ پر کرده شده باشد) و منط
 اراضی که برایش ارائه کرده شده است به تر
 آن آغاز میکند .

مجا

مید

م

[اول درجه : باید قطعه هائیکه دفعه ظاهر
 شدن قطعات کلان دشمن از آنها محتمل باشد
 ترصد کرده شوند .

چ

هد

دووم درجه ۱ قطعه هائیکه قطعات خرد

دشمن از آنها ظاهر شود و یا بواسطه آنها پنهان
باشد .

سهوم درجه : متبانی محلهای اراضی که
به نظر آید ترصد کرده میشود]

محلهای درجه اول :

مدخل های ده و قریه ، کنارهای جنگلها ،
خط بالاها ، آن نقطه راه ها که آخرترین دیده
میشود .

محلهای درجه دووم :

مبانی منفرده ، صکندهای سبیل ، غندک
پرختها و جنگلها ، جرها ، خندقها و کندهای
سبیل که از جانب دشمن به طرف محل نوبتچی می
آیند و دشمن بواسطه آنها مستوراً نزدیک شده
می تواند .

۶
محلّهای درجه سوم :

سائر اقسام مستویة اراضی .

ترصد : - تنها در يك محل جایجا ایستاده
شده ترصد نمودن جائز نیست بلکه به طرف چپ
و راست (۱۵ : ۲۰ خطوه) حرکت کرده
اجرا میشود .

نفر : اولاً ۲ و نهایتاً ۳ نقطه را که اغلب
احتمال است که دشمن از آنها دفعه ظاهر شود تعیین
میکند . و نیز دشمن هر گاه از همین نقطه ها ظاهر شود تا
فوراً آیا اشکاک نمودن کدام جایها لازم است
آنها را تعیین میکند . بعد از وضعیتهای نشان
که در جایهای مذکور لازم است گرفته مسافت
هر نقطه را تخمین و نشانگاه ها را تعیین نموده يك
يك دفعه نشان میگیرد و چشم خود را آموخته و باز
آشنا میکند . بعد از خیزه به وظیفه خود
دوام میکند .

بمدازان و هدف را بمجرد دیدن و یا صدای
آتش را شنیدن و فوراً پروت میکند . هرگاه
موضعش خوب نباشد زحف کرده به محل
مناسبتین میرود . مسافه و نشانگاه را تعیین و
تنظیم میکند . نقطه نشان را انتخاب نموده آتش
میکند . بعده بنا بر اشارتیکه داده میشود هدف و
غائب میشود . اخیوری و اوربند میکند . مدتی
بهمان وضعیت بوده نرصد میکند . هدف و
تکرار نشان داده میشود . اخیوری و تکرار و
خود بخود به آتش و دوام میکند . درین اثنا
هدف زنگون کبژد و ارانه کرده میشود .
بمجرد دیده شدن هدف زنگون کبژد و اخیوری و
شدت آتش را تزئید میکند . تکرار اشارت داده
باز هدف سر و ارانه کرده میشود . اخیوری و
شدت آتش را تنقیص میکند . هدف و فائیه
میشود . اخیوری و فوراً اوربند میکند .

بدینگونه نیز به خاطر اخیوری آورده میشود
 که هر وقتیکه هدف کلان شد شدت آتش را
 خود بخود تزئید نمودن و هر وقتیکه هدف
 خرد شد شدت آتش را تنقیص کردن لازم است.
 مناقشه: - خصوصات آتیه مناقشه کرده
 میشود:

- نقر: بعد از اخذ نمودن امر: آیا
- امر مذکور را تکرار کرد یا نه،
- آیا فوراً به کار خود شروع کرد یا نه،
- حرکاتش در ترصد،
- مواقع و وضعیتهای نشان که انتخاب و
 میکند به مقابل دشمنیکه ظهورش از محلها
 مختلف و محتمل باشد. و نیز تخمین مسافتها،
 [به افرادیکه سیر و تماشا میکنند اولاً خطاها و
 نشان داده میشود و بعد صحیح آن خطاها از
 افراد مذکور رسیده میشود و یاد داد

کتاب

میشود . [

— دشمن را آیا بزودی دید و یا ندید و وقتی که
دید هرگاه از محلهائی که خیال کرده بود ظاهر شد آیا
همان موضع که پیشتر ، اشغال آن را قرار داده بود
اشغال کرد یا نکرد ، و قرارش در باب شروع و عدم
شروع آتش و مسافه را صحیحاً تخمین کرد و یا
نکرد .

— بکدام حد هدف ، نشان گرفت
— تفنگ را به شانه ، چه گونه کش کرد .
— ماشه را آیا به سکونت ، کش کرد یا نه .
و بعد از انداختن ، آیا قدری در همان وضعیت
ماند یا نه . و بعد از چشم خود را واز کرد و
انگشت خود را دراز کرد و سر خود را بلند کرد
و تفنگ را پس کرد یا نه ، و این حرکات فوق را
متتابعاً و منتظماً کرد یا نه ،
— در اثنای سریعاً بر کردن تفنگ

حق الامکان ؛ هدف خرد ؛ نشان داد یانه .
 - بمجرد فائب شدن هدف ؛ آتش را
 قطع ~~کرد~~ و مدتی دران وضیعت ؛ ترصد
 نمود یانه .

- در اثنا تیکه تفنگ را به شاه تکیه کرده باشد
 هرگاه هدف ؛ فائب شود تفنگ را پس کرد یانه .
 جیبخانه را عبث ؛ خرج نکردن و هدف و قتیکه
 تکرار دیده شد باز به آتش ؛ شروع کردن .

- وقتی که هدف ؛ کلان شود شدت آتش
 را تزئید نمود یانه . مگر باوجود آن ؛ تفنگ را
 آهسته آهسته به سوی شاه برده و خوب نشان گرفته
 ماشه را به سکونت ؛ کش کردن لازم است و تنها
 در پر کردن تفنگ ؛ چالاکي کرده شدت مذکور را
 تزئید نمودن یعنی شدت مطلوبه را حاصل کردن
 لازم است .

- وقتی که هدف ؛ خرد شد شدت آتش را

تعبس کرد یانه . اخیوری اگردائما خوب نشان
گرفته ماشه را به سکونت ؛ کش کند شدت آتش ؛
خود بخود ؛ انتظام می یابد .

خطاها به افرادیکه سیر و تماشا میکنند نیز نشان
تدریس کرده میشود . و الحاصل از همین
سئله که کرده شد موادیکه افراد باید بیاموزند
بهارا بقرار آتی ؛ از افراد پرسیده علم آوری
ده شود آه آیا همه افراد فهمیده است یانه .
آنکه همه افراد ؛ یاد بگیرند و بفهمند مسئله
گوره باید تکرار کرده شود . لکن در هر دفعه
دیگر نظر ؛ اجرا کند :

س - بمجرد اخذ وظیفه ؛ چه را باید فکر

ج - این را فکر میکنم که آیا دشمن از
جایی ؛ محتمل است که ظاهر شود . و بمجردیکه
من را ببینم چه گونه حرکت کنم .

س - برای مقصد مذکور آیا چه تدبیر

کردی ؟

ج - اولاً نقطه هائیکه اغلب احتمال است

که دشمن از آنها بیاید نقطه های فلانی و فلانیست .

به مقابل آن نقطه ها موضع مناسبترین ؛ اینست .

چرا که از اینجا همه محلهای (۳۰۰) متره ؛ کاملاً

زیر نظر است [خوب میدان انداخت دارد] .

درین مسافه ؛ هر هدف که باشد میزنم .

علاوه بران ؛ مسند برای تفنگم و سپر برای

محافظه ام نیز موجود است .

ازین سبب ؛ این جای را انتخاب کردم . و

برای اینکه چشمم بلد و آشنا باشد يك يك دفعه

به نقطه های مذکور ؛ نشان گرفتم .

س - آیا چرا نقطه های زیاده تر ؛ انتخاب

نکردی ؟

ج - نقطه های زیاده تر را به فکر ؛ ضبط

کردن مشکل است .

الفهیمات

[۱۱]

س - پسان چرا ولاری کردی ؟
ج - وظیفه ام این منطقه را ترصد بود .
در پروت ؛ خوب ترصد کرده نمی توانم ازین
سبب ولاری کردم .

س - چه طور ترصد میکنی ؟
ج - اولاً حد هائیکه دفعه رویت قطعات
کلان دشمن از آنها محتمل باشد که یکی این نقطه
است که راه در اینجا فایب شده ؛ و دیگر همین
نقطه های روبرو است .

ثانیاً جاهائیکه در اینجا پت شدن قطعات خرد
دشمن ؛ محتمل باشد که همین کله و همین دره
از طرف چپ آمده ؛ و همین جنگلک است .
ثالثاً از طرف راست ؛ شروع کرده تا طرف
چپ ؛ همه اراضی را از نظر خود میگذرانم .
س - بمجرد دیده شدن دشمن آیا چرا
روت کردی ؟

ج - برای اینکه خود را به دشمن ندهم و اگر مرا دشمن دیده باشد يك هد کلان نشوم .

س - آیا چرا تا اینجا زحف کردی ؟

ج - چونکه این جای اولاً برای اجر آتش مؤثر ؛ يك جای بهترین است . ثانیاً بر محافظه خودم سپر نیز دارد .

س - تو وقتی که به همین سپر آمدی

فکر کردی ؟

ج - وظیفه خود را فکر کردم . وظیفه من به هر هدف ؛ اور کردن بود . مسافت هد

م ۱۵۰ متره بود لهذا فوراً شروع آتش کردم

س - در اثنای آتش ؛ چه آرزو داشتی

ج - همین را آرزو داشتم که صریحاً

مطلقاً به هدف ؛ اصابت کند .

س - مطلقاً اصابت ؛ بواسطه چه

و میسر میشود ؟

ج - بدین واسطه ، ممکن و میسر میشود ؟
که خوب یعنی بی هول ؛ نشان گرفته شود و ماشه
بکمال سکونت ؛ کش کرده شود .

س - در آشنای آتش ؛ به چه نشدن هدف ؛
دقت کرده شود ؟

ج - به غائب نشدن هدف ؛ هوش و دقت
کرده شود .

س - هدف و قتیکه قائب شد چه کردی ؟

ج - برای اینکه جیبخانه ؛ عبث خرج نشود
آتش را قطع کردم یعنی اوربند کردم .

س - و قتیکه اوربند کردی آیا چرا زود
یعنی دفعتاً ولاری نکردی ؟

ج - احتمال دارد که دشمن در آنجا مخفیست

یعنی پنهان شده منتظر فرصت است . و یا اینکه

سلاح خود را برمیکنند . پس ؛ و قتیکه من

مخیزم آتش ~~م~~ کرده مرا تلف میکند . لهذا دفعه

ولاریسی نکردم .

س - وقتیکه هدف زنگون کیژد دیده شد

شدت آتش را چرا تزئید کردی یعنی چرا زود

زود آتش کردی ؟

ج - دشمن ؛ دائما هدف کلان ؛ اراده

نمیکند . حال آنکه هدف کلان را زدن ؛ بسیار

آسان است . این فرصت را از دست ندیم گفته

شدت آتش را تزئید کردم .

س - شدت آتش را چه طور ؛ تزئید

میکنی ؟

ج - بواسطه زود پرکردن تفنگ ؛ تزئید

میکم . علاوه بر آن ؛ بسببیکه هدف ؛ کلان

است آسانتر ؛ نشان گرفته میشود .

س - وقتیکه هدف ؛ خرد شد شدت آتش را

چرا تقصیر کردی ؟

ج - برای اینکه بسیار جیغانه و خرج
 نکنم و در وقت تنگی ؛ بی جیغانه تمام و دست
 های خود را ، چشمهای خود را بلا لزوم بواسطه
 آتش سریع ؛ بیشتر از وقت لازم ؛ مانده نکنم .
 علی الخصوص و قتیکه هدف ؛ خرد دیده میشود
 نشان گرفتن هم ؛ مشکل میشود زیاده تر ؛ دقت
 صرف میشود . لهذا شدت آتش ؛ خود بخود
 ناقص میکنند .

س - مسافه را چه قدر ؛ تخمین کردی ؟

ج - ۱۷۰ متره تخمین کردم .

س - چه گونه تخمین کردی ؟

ج - از مقیاس ۲۰۰ متره بی که مشق کرده

بودم بقدر ۳۰ متره ؛ کمتر ؛ تخمین کردم .

س - به کدام حد هدف ؛ نشان گرفتی ؟

ج - هدف ؛ چون از منزل نشانه نگاه ؛

۱۸

تزدیکتر است لهذا به کنار تختانی آن ؛ نش
کرقم .

مسئله -- ۲

مقصد : -- بر دشمنیک بجانب ما می آ
آتش کردن ؛ و نیز در باب ستره هائیکه بمقا
نظر و سرمیات دشمن ؛ باعث استفاده بان
برای افراد ؛ درس دادن ؛ است .

هدف : -- يك نفر مسلح در مسافت
متره . نفر مذکور در اینجا مستور میباشد
و فشنگ ما نوره یعنی کارتوس ما نوره دارد
اشارات : -- يك لوحه سیاه هرگاه به وض
شاقولی گرفته شود بمعنای : دقت .

از وضعیت شاقولی اگر چپ و راست : شود
داده شود بمعنای : پیش بیا .
و قتیکه بر هدف : آتش کرده شود هدف :
پروت میکنند .

لوحة سیاه هرگاه از وضعیت شاقولی : ته
وبالا حرکت داده شود بمعنای : تریله کرده به
پشت يك درخت باریك آمده از اینجا آتش
کن .

۲
و اگر تکرار : ته و بالا شور داده شود
معنای : تریله کرده به پس پشت يك درخت قوی
آمده و زنگون کبژد کرده آتش کن .

و اگر باز ته و بالا حرکت داده شود بمعنای :
تریله کرده به پس پشت يك سپر خاك (یعنی
نوده خاك) آمده از اینجا آتش کن .

و اگر لوحه بزمین : خوابانیده شود بمعنای :
هدف : غائب شود .

تنبيه :- اول بايد که تدریسات لازمه در باب
طرز حرکت بمقابل هدفها تنبیه بمجانب ما می آیند و یا
پس میروند کرده شود و بعده وظیفه داده شود .
فرضیات :- در همین اراضی که از فلان
حد تا فلان حد است به هر هدف که می بینی :
آتش میکنی .

صورت اجزا :- هر بعد از اخذ وظیفه :
تا آنکه هدف دیده شود بقرار مسئله اول : حرکت
میکند . وقتیکه هدف دیده شد فوراً به شدید
اور شروع میکند . مگر به پای هدف : نشان
گرفته حرکت هدف را تعقیب می نماید . وقتیکه
هدف : پروت کرد و رو اور میکند . وقتیکه
هدف : تریله میکند آتش را شدت میدهد .
وقتیکه پس پشت درخت باریک : پروت میکند
شدت آتش را تنقیص میکند . و وقتیکه برای

رفتن به پس پشت درخت لك ؛ تریله میکنند باز
شدید اور میکنند . در پس پشت درخت مذکور اگر چه
زنگون کبژد کرده است یعنی هدف ؛ نسبة کلان است
مگر بسیدیکا لکی درخت ؛ از نیم متره ؛ زیاده تر
است صرمی ؛ از درخت مذکور ؛ نفوذ نمیکند
لهذا باز ورو آتش ؛ لازم است .

هدف و قتیکه برای رفتن به پس پشت يك
جنگل و یا يك سپر خاك ؛ تریله میکنند شدت
آتش ؛ افزوده میشود . و بمجرد غائب شدن هدف ؛
اخیوری باید که فوراً آتش را قطع کند . و يك
مدت بهمان وضعیت بوده بعده ولاریسی کند .
مناقشه : -- كافة حرکات اخیوری ؛ مثل

مسئله اول ؛ مناقشه کرده میشود . و قتیکه در پس
پشت درختهای باریك ؛ از وضعیت پروت ؛ آتش کرده
میشود درختهای مذکور ؛ هدف را تنها از نظر ؛
مستور میکنند و اگر زنگون کبژد کرده و یا ایستاده ؛

۲

آتش کرده شود درختهای مذکور و خدمت
استناد برای تفنگ مینمایند. لهند چنین درخت
در اوقات مذکوره اگرچه فایده دارند مگر درخت
هرگاه منفرد باشند مضرت دارند. و اگر بداند
بیش و جنگل ها باشند موجب استفاده مینمایند
فقرات آتیه و مناقشه کرده میشود:

درختهای لك برای اینکه بمقابل سر میان
سیر شده بتوانند اقل از نیم متره و لکتر باشد
و تا مجبوریت نباشد مطلقا پروت کرده آتش کر
لازم است.

در پس پشت جنگلک ها و پته ها بودن
اگرچه تدبیر خوب است برای پت شدن از
دشمن و مگر الی زمانیکه محلهای مذکور
دشمن و کشف نماید و مسافه ها را تعیین
اشغال کردن آنها لازم است.

سر میانیکه بیک جسم و تماس نموده به

داخل شوند به وضعیت عرضانی (یعنی بغله)
 داخل میشوند لهذا زخم آنها تهاک ناک میباشد .
 سپرهای خاک ؛ بهترین میباشد . مگر لکه
 آنها باید که از هشتاد سانتیمتره ؛ (یعنی از ۳۲ اینچ)
 دور نباشد . در مسافت های دور باید که لائل و
 پنجاه سانتیمتره باشد و به درجه که نشان گرفتن را
 از مسافت بعیده ؛ تسهیل نمایند آشکار و واضح
 دیده نشوند .

۲

بعد از پرسیدن سؤالیهای مسئله اول ؛ سؤالیهای
 آتی نیز ؛ علاوه کرده میشود :

س - وقتیکه هدف دیده شد چرا شدیداً
 اور کردی ؟

ج - هدف به سوی من می آمد یعنی
 برای من تهاک ناک میشد و هم هدف کلان ؛
 نشان میداد . از همین فرصت ؛ استفاده نموده
 دشمن را بزودی ؛ تلف کنم گفته شدید اور

اللهم
امرأاً

السنن
امرأاً

امرأاً بالله

کردم .

س - به کدام حد هدف و نشان گرفتی

ج - به پایهایش نشان گرفتم

درینصورت ؛ مر می ها به پیشرویش می افتد

لهذا هرچند که پیش آمده می رود اراضی که با

داهش می آیند زیر آتش آمده پیشرفت کرد

تخواهد توانست .

س - هدف وقتی که تریله کرد چرا شد

اور کردی ؟

ج - چرا که هدف ؛ کلان دیده میشد

اصابت ؛ آسان بود .

س - ایستادن در پس پشت درخت باریک

کیا خوب است ؟

ج - درخت هرگاه منفرد باشد مضر است

و اگر بداخل جنگل باشد مفید است ؛ درحقیقت

آتش از وضعیت زنگون کبژد و از وضعیت

ایستاده ؛ برای تفنگ ما مسند میشود .
 س - بینم این درخت را چه گونه مثل
 مسند ؛ استعمال میکنی ؟

ج - پیش درخت میروم و از درخت ؛
 استفاده نموده نشان میگیرم .

س - درختها برای اینکه از صرمی دشمن ؛
 محافظه کنند لکی آنها چه قدر باید باشد ؟

ج - اقلانیم متره باشد .

س - سپرهای خاك ؛ چه قدر لکی داند
 باشند ؟

ج - کم از کم ؛ هشتاد سانتیمتره باشد .

س - آیا بته ها ، گیاه ها سیر میشوند ؟

ج - انسان را از صرمی دشمن ؛ محافظه
 کرده نمی توانند . لکن ما را از نظر دشمن ؛
 نگاه میدارند یعنی بواسطه آنها دشمن ؛ ما را
 نخواهد دید ولهدا نشان گرفته و اصابت کرده

نخواهد توانست . بناه علیه : بسیار فائده دارند
 مگر در پس پشت غنایک گیاه منفرد و یا به تنه منفرد
 باید مدت مدیده نباشم . چونکه اینها فتنه
 گرفتن را آسان میسازند .

مسئله - ۳

مقصد : - طرز حرکت را بمقابل هدفها
 به جانبها و به عقب میروند تعلیم کردن است
 در وضعیت زنکون کیزد و یا از ایستادن : آن
 کردن را تعلیم نمودن است .

هدف : - يك نظر مسلح : و به فتنه
 مانوره : مجهز بوده ۳۰۰ متره دور و مستر
 میباشد .

اشارت : - لوحه سفید اگر شاقولی کرده
 شود بمعنای : دقت :

از وضعیت مذکوره هر گاه چپ و راست
 شور داده شود بمعنای : هدف : پیش بیاید
 بمجرد آتش کردن بر هدف باید که هدف
 مذکور به یکی از جانبین بقدر پنجاه متره برود و
 در سپر و پروت کرده آتش کند .

لوحه سفید هر گاه بالای سر و وضعیت
 افقی گرفته شود هدف باید به جانب بقدر ۱۰۰
 متره دویده و بدمه پروت کرده آتش کند . و
 هر وقتیکه لوحه به وضعیت فوق گرفته شود
 هدف نیز بقرار فوق عمل نماید .

۱۳

لوحه مذکوره هر گاه به وضعیت شاقولی
 گرفته شود و بدمه دسته آن را محور و اعتبار
 نموده بهمان وضعیت : چرخ داده شود بمعنای :
 هدف بقدر ۱۰۰ متره عقب رفته فائب شود .
 تئیه : - باید که اولاً طرز حرکت بمقاصد
 هدفها بیکه به جانب و یا به عقب میروند نشان

هاده شود . و وقتیکه هدف دیده شد زنگون کبژد
کرده و یا ایستاده ؛ طرز آتش کردن فہمائیدہ
شود بمدہ وظیفہ دادہ شود .

فرضیات : -- در اراضی کہ از فلانہ جای
تا فلانہ جای است ہر ہدفیکہ ظاہر شود برای
اینکہ بالای آن ؛ آتش کردہ بتوانی در اینجا
تزدیک خودت یک موقع خوب ؛ منتخب کن .
و درین منطقہ ؛ بر ہر ہدف کہ دیدہ شود
آتش کن !

صورت اجرا : -- وقتیکہ هدف ؛ دیدہ
شدہ فزارتن بہ یکی از جانبین کند اخیوری ؛ یک
خطوہ پیشرویش بہ استقامت حرکنش نشان
گرفته و بواسطہ تفنگ ؛ تعقیب نمودہ آتش
کند . و

وقتیکہ هدف ؛ پروت کند شدت آتش را
تقیص کند . و

و قتيك هدف ۱ به جانب میدود دو خطوه ۱
 پشرويش نشان گرفته به تفك ۱ تعقيب نماید ۰
 و قتيك تکرار ۱ پروت کند هدف ۱ از عمل
 اخپوری دیده نشود او زمان ۱ اخپوری از وضعیت
 زنگون کبژد ۱ آتش میکند ۰ و اگر باز ممکن
 نشد از وضعیت اینسان ۱ آتش میکند و در
 انشای برگردن ۱ خود را پت میکند ۰

۳

هدف و قتيك به پس رفتن ۱ شروع کند به
 سرش نشان گرفته شديد اور میکند ۰
 ۱ اصابت به هدفها تيک به جانب میروند
 خیلی مشکل است ۰ لهذا مسافه باید صحیحاً
 تخمین شود ۰ مدت طیران صرمی را و نیز سرعت
 حرکت هدف را به درستی ۱ حساب نمودن ۰
 لازم است ۱ صرمی ۱ ۳۰۰ متره را به نیم ۰
 ۶۰۰ متره را به يك و نیم ۰ ۹۰۰ متره را به
 ۲۱۰۰ تانيه قطع میکند ۰

مناقشه : — مواد آتی مناقشه کرده میشود

— هدفها هرگاه به جانبین میروند آیا

کدام حد آنها نشان گرفته شود .

— هدفها هرگاه در حرکت باشند باید

حریمات دائما به استقامت حرکتشان به پیشرو

شان بیفتند .

— به هدفهاییکه به سوی ما می آیند دائم

نشانگاه کوتاه و به هدفهاییکه عقب میروند دائم

نشانگاه بلند و استعمال کنیم . و بدینگونه نشان

گرفتن را قاعده بدانیم .

— وضعیتهای نشان که اخیوری میگیرد

مناقشه کرده میشود . بایدکه اولاً بعضی سؤال

لازم را از مسئله های گذشته پرسیده شود

سؤالهای آتی ، علاوه کرده میشود :

س — وقتیکه هدف به طرف راست میرود

به کدام حد آن ، نشان گرفتی ؟

ج - به پیشرویش نشان کرشمه .
 س - هدفها هرگاه به یکی از جانبین میروند
 به کدام حد آنها باید نشان گرفته شود ؟
 ج - مسافه هر قدر که دور و هدف هر
 قدر که سریع می رود ها قدر زیاده تر ؛ به پیشرویش
 نشان گرفته میشود .

س - حالی چه قدر پیشرویش نشان گرفتی ؟

ج - هدف وقتیکه تادی قدم میرفت يك **۳**
 خطوه ؛ و وقتیکه دوید دو خطوه پیشرویش نشان
 کرشمه .

س - هدف وقتیکه پروت کرد و دیده
 نمیشود چه کردی ؟

ج - زنگون کبژد کردم . و اگر باز دیده
 نمیشد می خیزتم یعنی ایستاده میشدم .

س - هدف وقتیکه پس میرفت چه کردی ؟

ج - به سر هدف ؛ نشان کرشمه . هدف ؛

چون از من دور شده میرفت مر می به پشتش اصابت
 میکند . و اگر مر می سر کند به پیشرویش می
 افتد و لهذا هدف دائما به اراضی تهلک ناک
 داخل شده میرود .

مسئله - ۴ -

مقصد : - مهمترین هدف را انتخاب
 نمودن ، به هدفهاییکه خود را اندک زمان ، نشان
 میدهند آتش کردن ، آتش را بی لزوم به هدفهای
 مختلف ، توجیه نکردن است .

هدف : - دو نفر ، فشنگ مانوره و فشنگ
 دارند . ۴ متره دور و مستور میباشد .
 هدفها و قشیک بالای شان آتش کرده شد
 بیرون میکنند و یکی هدف سر و یکی هدف
 زنکون کبژد نشان داده آتش میکنند . بنابر

الذود

اشارتیکه داده شود یکی از آنها تریله کرده به پس پشت
سپرآمده فائب میشود . و بعد از چند ثانیه تکرار
ظاهر شده شروع آتش میکند .

برای اینکه هدف دیگر نیز تریله کند اشارت داده
میشود . این نیز به عین صورت ؛ حرکت میکند .

بعد ازین بالمناوبه ؛ ظاهر شده (یعنی خود را نشان
داده) به آتش ؛ دوام می ورزند . بعد اشارات

۴

تریله را تکرار نموده تریله ها مناوبه اجرا
می یابند . در هر تریله ۴۰ : ۶۰ متره ؛ قطع
میشود . در آخر ؛ بنابر اشارتیکه داده میشود
یکی از هدفها گویا زخمی شده باشد جابججا مینماید
و دیگر هدف ؛ برچه پک کرده هجوم میکنند .

اشارت : — لوحه زرد رنگ هرگاه شاقولا
گرفت شود بمعنای : دقت . و اگر از وضعیت شاقول
به طرف چپ و راست ؛ شور داده شود بمعنای :
دو هدف پیاده ؛ به طرف اخیوری بیاید .

لوحه اگر نه و بالا حرکت داده شود بمعنای :
یکی از هدفها تریب کند .

لوحه اگر افقاً بالای سر گرفته شود بمعنای :
یکی از هدفها جا بجا باشد و هدف دیگر : بر چ
پك کرده هجوم کند .

تنبیه : -- بعد از اعطای معلومات در بار
مواد آتیه : باید که وظیفه داده شود :

— در عین مسافه هرگاه از عین جنس
دو هدف دیده شود آیا کدام آنها انتخاب کرده
میشود ،

— به مقابل هدفهاییکه خود را اندک زمان
نشان میدهند چه گونه حرکت کرده میشود ،

— دو دشمن هرگاه به عین درجه : تها
ناک باشند آیا بمقابل آنها چه گونه حرکت کرده
شود .

فرضیات : — در همین جای که از فلان

تا فلان حد است به هر هدف که دیده شود آتش
میکنی . و هیچ کس را نگذاری که به اینطرف
بیاید .

صورت اجرا : - دو هدف پیاده دیده میشود

که به طرف اخیوری می آیند . اخیوری ؛ به هر کدام آنها
که به آسانی ؛ نشان گرفته میتواند آتش میکند .
و وقتیکه یکی از آنها هدف سر ؛ و دیگری

هدف سینه نشان بدهد اخیوری ؛ به هدف سینه ؛ (ع)

آتش میکند . هر کدام آنها که خود را از پس
سر ؛ نشان میدهد بالای آن ؛ آتش میکند .

و وقتیکه تریله کنند یکی از آنها را انتخاب کرده تلف

میکند و بعد آتش خود را بالای دیگر هدف ؛

بوجیه مینماید . هدف ؛ وقتیکه به ۱۰۰ متره ؛

زردیک شد اخیوری ؛ برجه پک میکند .

هدف وقتیکه هجوم نموده در مابین ؛ ۳۰ متره

ماند اخیوری نیز از جای خود جهیده به مقابله

هدف ؛ میدود و به برچه خود ؛ مقابل میکند .
مناقشه ؛ -- مواد آتیه مناقشه کرده میشود ؛
-- هرگاه از عین جنس ؛ دو هدف دیده شود
بالای هر کدام آنها که آسانتر ؛ نشان گرفته میشود
آن را انتخاب کردن .
-- به مقابل هدفهاییکه خود را اندک زمان ؛
نشان میدهند هر وقتیکه هدف ؛ فائب میشود سریعاً
تفنگ را پر کرده و به شانه ؛ تکیه داده برای اینکه
سریعاً آتش کرده بتوانیم ؛ بهمان وضعیت ؛
منتظر بودن ،
-- هدفهاییکه به طرف اخیوری می آیند
هرگاه عین اهمیت داشته باشند . اخیوری ؛ یکی
از آنها را به واسطه آتش خود تعقیب نموده بعد از تلف
نمودنش آتش خود را بالای دیگر هدف ؛ توجه
کردن . و فرهیج نرسیده در آخر بواسطه برچه
خود ؛ دشمن را تلف نمودن لازم است .

س - هرگاه دو هدف دیده شود بر کدام
آنها آتش میکنی ؟

ج - بالای هر کدام آنها که خوب نشان
گرفته می توانم آتش میکنم .

س - هدفها وقتیکه اندک زمان دیده شدند
و فائب شدند چه کردی ؟

ج - قنک خود را پر کرده و به شانه ؛
تکیه داده آماده شدم . هر کدام آنها که دیده
شد آتش کردم .

(۶)

س - هدفها وقتیکه تریله کردند چه گونه
آتش کردی ؟

ج - هدفیکه به طرف راست است انتخاب
کردم . و دائما بر آن ؛ آتش کردم . بعد
از تلف نمودن آن ؛ بالای هدف دیگر ؛ آتش
کردم .

س - آیا چرا بر چه يك کردی ؟

ج - دشمن قریب شد اگر هجوم کند او را
بواسطه برجہ خود تلف کنم گفته برجہ یک کردم

مسئله - ۵ -

مقصد : - صورت حرکت به مقابل سوار

هدف : - یک نفر ۱ ۵۰۰ متره دور

و مستور میباشد . یک هدف سوار که نظر به
اینکه از جانب دیده شود ساخته شده باشد به
دست نفر مذکور میباشد .

اشارت : - لوحه سرخ رنگ هرگاه شاقولاً

گرفته شود بمعنای : دقت ۱ و اگر به طرف چپ

و راست ۱ شور داده شود بمعنای : هدف سوار

را بشرطیکه از بغل دیده شود اراده کن ۱

و اگر لوحه مذکور ۱ ته و بالا حرکت داده

شود بمعنای : هدف سوار : به یکی از جانبین به
 مادتا برود . و وقتیکه مادتا میرود و حرکت
 لوحه تکرار شود بمعنای : سرعتی یعنی دیگر
 برود .

لوحه اگر افقاً بالای سر گرفته شود بمعنای :
 هدف سوار را به زمین : خوابانیده هدف (۵)
 زنگون کبزد : ارانه کن (یعنی سوار از اسپ
 فرو آمده) (۴)

لوحه هرگاه بزمین : خوابانیده شود بمعنای :
 هدف سوار : فائب شود .

تنبيه : — باید که اولاً معلومات در باب صورت
 حرکت به مقابل صنف سواری (تعلیمنامه پیاده)
 ماده — ۴۵۱ ، ۴۵۲) داده شود و بعد وظیفه
 داده شود .

فرضیات : — به همین استقامت بین
 هر هدف که به نظرت آید بالای آن : آتش کن

صورت اجرا :- وقتیکه هدف دیده شود
 اخیوری ، از وضعیت زنکون کیزد مستند ، شرف
 آتش میکند ، و هدف ؛ وقتیکه به یکی از جانبین
 حرکت کند از وضعیت زنکون کیزد غیر مستند
 آتش میکند ، هدف ؛ وقتیکه پروت ک
 اخیوری ، پروت میکند و از همین وضعیت پروت
 آتش میکند .

مناقشه :- مواد آتیه ؛ مناقشه کر
 میشود :

- در حین هجوم سواری ، بدون اینکه بک
 سکونت ؛ اجرای آتش کرده شود دیگر چاره نیست
 - هرگاه به سکونت ؛ آتش کرده شد بسب
 جسامت هدف ؛ مطلقا اصابت میشود . بنا
 علیه ؛ یک نفر باید که از چند سوار ؛ نترسد .
 - سوار وقتیکه ایستاده باشد بالای
 از وضعیت زنکون کیزد مستند ، و در حال حرکت

یکی از جانین ؛ از وضعیت زنگون کبژد غیر
 مستند ؛ آتش کردن مناسب است .
 — سوار ؛ وقتیکه از اسب ؛ ته شود چون
 براخپوری ؛ آتش خواهد کرد لهذا اخپوری
 باید که پروت کند .

خطاهای همه حرکات را مناقشه و تصحیح (۵)
 نمودن ؛ لازم است .

س — وقتیکه سوار دیده شد چرا از وضعیت
 زنگون کبژ آتش کردی یعنی پروت نکردی ؟ (۴)
 ج — اگر پروت کنم احتمال دارد سوار را
 دیده نتوانم و اگر حرکت کنید تعقیب کرده نمیتوانم
 و به تبدیل وضعیت نشان مجبور میشوم و لهذا وقت ؛
 ضایع میشود . بنابراین ؛ پروت نکردم . ذاتاً از
 وضعیت زنگون کبژدم ؛ آتش مؤثر کرده می توانم .
 س — وقتیکه به حرکت ؛ شروع کرد
 از کدام وضعیت ؛ آتش کردی ؟

ج - از وضعیت زنگون کبژد غیر مستند
چرا که از همین وضعیت و حرکت هدف به بسا
آسانی و تمقیب میشود .

س - هدف وقتیکه از اسب نه شد چه
پروت کردی ؟

ج - هدف و هدف پیاده کردید .
شروع آتش کرد . پس و حالی اگر در وضع
زنگون کبژد باشم خود را بلا لزوم و تلف کرد
میباشم .

مسئله - ۶

مقصد : - صورت حرکت به مقابل
سواری .

هدف : - دو سوار حقیقی و به مسافت
۵۰۰ متره .

اشارت : — لوحه سیاه اگر شاقولاً گرفته

شود بمعنای : دقت !

و اگر از وضعیت مذکوره به طرف چپ

وراست و حرکت داده شود بمعنای : سوارها

به تادتا به سوی اخیوری بیایند .

و اگر لوحه و شاقولاً به وبلا شورانیده

شود بمعنای : به سرعتی یعنی به دیکلن بیایند .

و اگر اشارت مذکوره تکرار شود بمعنای : یکی

(۶)

کوتاه چهار نعل بیاید و دیگرش مثلیکه زخمی

شده باشد جا بجا مانده از اسپ و ته شود .

• سوار و وقتیکه به چهار نعل و از پهلو

اخیوری میکنند باز به کوتاه چهار نعل (برای

اینکه اسپ را مانده نکند) بقدر ۲۰۰ متره

دیگر رفته بده استناد شود .

تنییه : — باید که اولاً (ماده — ۴۵۱ و

۴۵۳) ی تعلینامه پیاده ؛ ایضاح کرده شود و
بعده و وظیفه داده شود .

فرضیات : — به همین استقامت بین ؛

هر هدف که دیده شود بالای آن آتش کن ؛

صورت اجرا : اخیوری ؛ وقتیکه هدف

دیده شد به نشانگاه ۴۵۰ نشان گرفته از وضعیت

زنگون کبژد مستند ؛ شروع آتش میکند .

هدف ؛ وقتیکه به سرعتی یعنی به دکلن ؛ شروع

کرد اخیوری ؛ به زنگون کبژد غیر مستند ؛

آتش میکند . هدف ؛ وقتیکه به ۳۵۰ متره

رسید اخیوری به نشانگاه ۲۵۰ آتش میکند .

و وقتیکه یکی از سوارها به چهار نعل بچیزد اخیوری

و لاری کرده آتش میکند .

در هجوم سواری ؛ اخیوری سعی کند که به

طرف چپ سوار باشد و بعد از گذشتن سوار

تیز آتش کند .

مناقشه

حواد آتیه مناقشه کرده میشود :
 - سریعاً شروع آتش کردن ،
 - سریعاً تفنگ را پر کرده بکمال سکونت و آتش کردن ،

- از پیشقدمی سوار و فتور نکرده یعنی ترسیده به آتش و دوام نمودن ،

(۶)

- وقتیکه سوار رسیده برای مجانبیت از نیزه و یا کریچ آن ؛ به طرف چپ سوار گذشتن ؛ و بعد از تیرشدن سوار ؛ از پس پشتش ؛ آتش کردن .

همه خطاهائیکه دیده شود تصحیح کرده بشود . و این خصوص نیز فهمانیده شود که یک خپوزی ؛ دو سوار را بمنه حال ؛ تلف کرده میتواند . هر الحال ؛ صرف به مقصد تعلیم ؛ تلف نمودن

آنها فرض کرده نشده است .

س - وقتیکه سوارها هجوم کردند چه فکر زدی ؟

ج - همین را فکر زدم : که آتش مؤثر کرده هر دو را تلف کنیم .

س - اگر می گریختی چه میشد ؟

ج - سوار به من بهمه حال میرسد و مرا تلف میکنند . حال آنکه اگر ایستاده باشم و آتش مؤثر کنم هر دو را بهمه حال ، تلف میکنم چرا که

هدف کلان است . و اگر بالفرض : تلف نکردم و آمده مرا زیر پای کنند مطلقاً نمی میرم . مگر

اگر بگریزم بهمه حال بمن رسیده مرا میکشند .

س - برای اینکه سوارها را بهمه حال تلف کنیم چه لازم است ؟

ج - هیچ هول و تلاش نکردن ، تفنگ را سریعاً پر کردن ، و بکمال دقت نشان گرفته و بکمال

دقت و سرعت ، و بکمال دقت نشان گرفته و بکمال

سکونت و ماشه را کش کرده اصابت کردن لازم است.

ب - هرگاه خوب نشان گرفته نشود و

آتش کرده شود چه میشود؟

ج - هر قدر مرمی انداخته شود هیچ یکی

اصابت نمیکند. لهذا یک دو مرمی و هرگاه خوب

نشان گرفته شود انداخته شوند از صدها مرمی

که بی نشان گرفتن انداخته شوند بهتر است.

س - سوار و وقتیکه ترا زیر پای نکرد

نوجه کردی؟

ج - از عقبش آتش کردم که او را

تلف کنم.

مسئله -- ۷

مقصود: -- از جمله هدفهای مختلف، هرگاه

و در وقت شب با چراغ روشن است
هدف که تهلک ناک است بر آن و آتش کردن

هدف : يك نقر پیاده که تفنگ و فشنگ

مانوره دارد ۳۰۰ متره دور و مستور میباشد

و نیز :

يك هدف سوار و در استقامت شی نیم بمسافه

۵۰۰ متره میباشد

اشارت : لوحه زرد رنگ و لوحه سفید

رنگ ؛ پهلو به پهلو میباشد

اشاراتیکه بواسطه لوحه زرد رنگ داده میشوند به

هدف پیاده ؛ و اشارات لوحه سفید رنگ به هدف

سواری ؛ مانده

لوحه زرد رنگ اگر شاقولی گرفته شود

بمعنای : دقت ؛ و اگر از وضعیت مذکوره به

طرف چپ و راست ؛ شور داده شود بمعنای :

هدف پیاده ؛ هدف زنگون کبژد نشان داده

آتش کند

لوحة زرد رنگ اگر شاقولاً ته وبلا حرکت

داده شود بمعنای : هدف پیاده ، پیشرفت کنند.

و اگر لوحة بزمین خوابانیده شود بمعنای :

هدف : غائب شود .

لوحة سفید رنگ اگر شاقولاً گرفته شود

معنای : دقت ، اجابت

و اگر از همین و ضعیف : به طرف چپ و

راست : تحریک کرده شود بمعنای : هدف

سواری : به سرعتی یعنی به دکلن بیاید ،

لوحة سفید رنگ اگر بزمین خوابانیده شود

معنای : هدف سواری بیکی از جانبین ، گریخته

غائب شود .

تنبيه : — اولاً باید که هدفها بهمديگر ،

نسبت کرده شوند و تهلكه ناك آنها گفته شود و

مقابل آنها ، چه گونه حرکت کردن لازم

(۷)

است فیهانده شود و بده و وظیفه داده شود .
 فرضیات : -- بر هر هدف که درین منطقه که
 از فلانه حد تا فلانه حد است دیده شود آتش
 میکنی .
 صورت اجرا : -- وقتیکه هدف پیاده دیده
 شد اخیوری به آتش شروع میکند . بعد
 از مدتی بنا بر اشارتیکه داده شود هدف سواری و
 نشان داده میشود . وقتیکه هدف سواری دیده
 شد اخیوری هدف پیاده را ترك کرده برای
 اینکه بر هدف سواری آتش کند مسافه را
 تخمین میکند هر گاه ۵۰۰ متره تخمین کرده
 باشد به نشانگاه ۴۵۰ شروع آتش کند .
 و تا آنکه هدف سواری غائب شود دائما
 بر آن آتش کند .
 وقتیکه هدف سواری غائب شد آتش را

۵۱

بر هدف پیاده و توجیه میناید .
س - وقتیکه بر هدف پیاده و آتش میگردی
آیا چرا او را گذاشته بر هدف سواری و آتش
کردی ؟

ج - اگر سوار و تلف کرده نشود بعد از
اندک زمان آمده سراپایمال میکند . پس این
هدف و تهلکه ناک شد لهذا کوشیدم که او را
تلف کنم .

(۷)

س - وقتیکه هدف سواری و غائب شد چه
کردی ؟

ج - تکرار به هدف پیاده و شروع آتش
کردم .

س - در عین زمان هرگاه دو هدف دیده
شود بر کدام آنها باید آتش کنی ؟

ج - هر کدام که برای من زیاده تر و تهلکه
ناک است اول باول بر آن و آتش میکنم .



در بیان کتابچه لا مصله داخل است

۱۰

• بولینه بیضیه • مایه سفید
 در کوزه سفید • مایه سفید • کباب - ۳
 رشتا • در این سفید متشابه آنها است
 ؟
 زامبو عوفا موی سفید و مایه سفید - ۳
 نیا • ریز • سفید بالیده که مایه سفید
 مایه سفید • مایه سفید مایه سفید
 •
 مایه سفید • مایه سفید کباب - ۳
 ؟
 رشتا • مایه سفید • مایه سفید
 •
 مایه سفید • مایه سفید مایه سفید - ۳
 • مایه سفید مایه سفید مایه سفید
 مایه سفید • مایه سفید مایه سفید - ۳
 • مایه سفید مایه سفید مایه سفید

(۱۱)